

روانشناسی کودک

پیدایش و پیشرفت روانشناسی کودک

مقدمه : آقای دکتر پروفسور
دانشگاه فلسفه و علوم تربیتی

میگویند اول کسی که روانشناسی کودک را بنیان گذاشت ژان ژاک روسو است. اگر بطور حتم روسو را بانی اصلی روانشناسی کودک ندانیم، بایستی ویرایکی از بنیان این فن بشمار آوریم. ژان ژاک روسو که از سال ۱۷۱۲ تا ۱۷۷۸ میزیسته بخوبی از روش و طرز غلط تعلیم و تربیت مدارس زمان خود آگاه بوده و بنا بر این برای مقابله با معایب و نقایص این طرز تعلیم و تربیت قیام کرد. روسو ملاحظه کرد که جبر و فشاری که از جانب معلمین بکودکان وارد می شود بکلی استعدادها و قوای فعاله آنانرا فلج میسازد و با بیان این جمله که «بهترین تربیت آنستکه هیچ تربیتی اعمال نشود» عقیده تربیتی خود را بیان کرد باین معنی که کودک بایستی بحال خود گذاشته شوند و پرورش صحیح را از طبیعت بیاموزند.

روسو نظر دیگری نیز در تربیت کودک ابراز داشته که فوق العاده از لحاظ روانشناسی کودک حائز اهمیت است و آن اینستکه «باید کودک خود را بشناسید و سپس بتربیت آنان همت گمارید زیرا بیقین شما باحوال آنان آگاهی کامل ندارید. سومین عقیده ای که روسو در روانشناسی کودک بیان داشت، تقسیم بندی دوران زندگی کودک است. در هر دوره ای کودک یکنوع تربیت بخصوصی را باید ببیند و هر دوره ای دارای خصوصیات معینی است.

از این مختصر مشاهده می شود که تا چه حد عقاید و نظریات ژان ژاک روسو از لحاظ پایه و اساس روانشناسی کودک اهمیت دارد. باید دانست که این عقاید و نظریات هیچگاه از حدود نظری خارج نشده و جنبه عملی و تحقیقاتی بخود نگرفته است. بعد از روسو علمای دیگر پیروی از نظریات وی در آزمایشگاهها و مدارس و

حتی خانواده ها شروع به تحقیقات علمی و آزمایشهای تجربی کردند و بدینسان عملاً روانشناسی کودک را بوجود آوردند. اولین کسی که نظریات روسورته قیاب کرد و از لحاظ علمی مورد آزمایش قرار داد، تیدمن (۱۷۸۷) آلمانی است^۱ ولی این دانشمند هیچگاه نتیجه عملیات و آزمایشهای خود را در نشریه ای انتشار نداد.

درست بایستی ۶۰ سال از زمان این عالم بگذرد تا تجربیات و تفحصات علمی و سیستماتیک شروع گردد و نتیجه این آزمایشها در نشریه ای منتشر و بمعرض مشاهده عموم گذاشته شود. زیرا تیدمن نتیجه تجربیاتی را که درباره کودک خود از روز تولد تا سه سالگی بعمل آورده بود روز بروز باطلاع عموم میرسانید.

در سال ۱۸۵۱ در آلمان شخصی بنام لوبیش^۲ نشریه ای درباره چگونگی تکامل و پیشرفت ذهنی کودک انتشار داد.

در سال ۱۸۵۶ نشریه دیگری بنام «کودک و دنیای خارج» توسط سیگیسموند^۳ و در سال ۱۸۵۹ نشریه ای بنام «مطالعات درباره روانشناسی کودک از آغاز تولد» توسط کوسمل^۴ انتشار یافت. اما این نشریات با وجود ارزش و اهمیتی که دارا بودند اثر مهمی بوجود نیاوردند. تا اینکه در سال ۱۸۸۱ کتاب معروف پریز^۵ بنام «روح کودک» منتشر شد. این کتاب بین والدین شهرت یافت و مورد استفاده عملی قرار گرفت و بدینجهت خدمت بسزائی از لحاظ روانشناسی کودک انجام داد. بهره اولیای اطفال از این کتاب این بود که ملاحظات و مشاهدات خود را درباره کودکان از آغاز تولد یادداشت نمایند و به بررسی تغییرات روحی آنان و نتایج حاصله بپردازند. علاوه بر این در فرانسه علمائی مانند تن^۶ و اگر^۷ و پره^۸ و در انگلستان داروین^۹ و پلاک^{۱۰} مطالعات و تحقیقات مشابهی انجام دادند.

بعد از علمائی که ذکر نام آنها گذشت ملاحظه می شود که متخصصین رشته های علمی مختلف موضوع فعالیتهای ذهنی کودک را مطرح نظر قرار داده و به تفحص و

۱ - Tiedmann

۲ - Sigismund

۳ - Preyer

۴ - Taine

۵ - Perez

۶ - Pollock

۷ - Loebisch

۸ - Kussmaul

۹ - L'âme de L'enfant

۱۰ - Egger

۱۱ - Darwin

تحقیق در آن باب پرداخته اند. از آنجمله علمای علم وظایف الاعضائی مانند ویرورت^۱ و زیست شناسانی مانند داروین و شولتز^۲ و علمای جرم شناسی و مردم شناسی و غیره... که نتیجه تحقیقاتشان بطور غیر مستقیم برای روانشناسی کودک مفید واقع شده. اما این اقدامات و تتبعات متعدد هیچگاه منتج بنتیجه قطعی در روانشناسی کودک نشد و جنبه استقرار علمی پیدانکرد تا اینکه ۳۳ سال بعد در اوائل قرن بیستم روانشناسی کودک حیات خود را عملاً آغاز کرد و از جمله رشته های مهم علمی گشت و علمای متعددی در ممالک مختلف بتحقیقات مرتب و خستگی ناپذیری همت گماشتند.

از این بپس ما روانشناسی کودک را در ممالک مختلفه مورد مطالعه قرار میدهم

ب - روانشناسی کودک در ممالک مختلف

۱ - ایالات متحده آمریکا

در ایالات متحده امریکا تحقیقات مربوط بروانشناسی کودک باندازه ای وسیع و پردامنه بود که نتایج آن نه فقط در آن کشور بلکه بطور آشکار در کشورهای اروپائی نیز ظاهر گشته است.

آمریکائیان ابن جنبش بزرگ را مدیون فیلسوف و روانشناس بزرگ خود استانیلی هال^۳ میباشند. استانیلی هال در سال ۱۸۴۶ متولد گردید و تحقیقات خود را در قسمت علوم الهی دنبال کرد و سپس بفلسفه پرداخت و هنوز چند سالی نگذشته بود که بالمان مسافرت کرد و رشته های وظایف الاعضاء و تعلیم و تربیت را در لایپزیک مورد مطالعه و بررسی قرار داد و مخصوصاً علاقه فراوانی بروانشناسی کودک پیدا کرد. و چون با امریکامراجعت کرد دو وظیفه خود دانست که بترویج و تکمیل علوم تربیتی و روانشناسی کودک که مبتنی بر زیست شناسی باشد همت گمارد. در سال ۱۸۸۲ رساله بسیار مهمی بنام «محتویات ذهن کودک هنگام ورود بدبستان» تألیف و منتشر کرد. این رساله نتیجه تحقیقات و تجربیات عملی وی بود که درباره عده ای از کودکان دبستان در بستون بعمل آورده بود و ابن نشریه بهم طلیعه نشریات دیگر وی گشت که بعداً خواهیم دید. کارهای استانیلی هال ابتدا نتایج عملی چندانی در بر نداشت زیرا اشکالات و موانع بیشماری در سر راه داشت که از آنجمله عدم آمادگی افکار عمومی برای هضم این قبیل اطلاعات و معلومات جدید بود. و تقریباً ده سال وقت لازم بود که این مشکلات

۱ - Vierordt

۲ - Schultz

۳ - Stanley Hall

مر تفع و نتیجه عملی کارهای وی معلوم شود .

استانلی هال در خلال این مدت در بالتیمور^۱ اولین آزمایشگاه روانشناسی کودک را ایجاد نمود و در سال ۱۸۸۷ مجله ای بنام «نشریه آمریکائی روانشناسی»^۲ انتشار داد که نه فقط قدیمترین و مهمترین مجله روانشناسی در آمریکا بلکه در دنیا است .

استانلی هال در سال ۱۸۸۸ بریاست دانشگاه کلارک^۳ انتخاب گردید و تا پایان عمر در این سمت باقی ماند . از جمله کارهای علمی هال تأسیس انجمنی است بنام «انجمن ملی مطالعه کودک کان»^۴ که چندی پس از گشایش آن در سایر نقاط آمریکا نیز انجمنهایی شبیه بان بوجود آمد . این انجمنها دارای نشریه ای شدند که هال آنرا در سال ۱۸۹۱ منتشر و بنام «سینار تربیتی»^۵ نامید و این نشریه تا با امروز طبع و منتشر می شود . اهمیت کارهای علمی استانلی هال بیشتر از آن جهت است که «روانشناسی تکوینی»^۶ را بنیان گذاشت و این رشته علمی است که تغییرات تدریجی هوش کودک کان را در مدت رشد بخوبی نشان میدهد . همچنین هال و مکتب وی بود که برای اولین بار کودک را از لحاظ بحران بلوغ باروش علمی و نتیجه بخشی مورد مطالعه قرار داد . این دوره از زندگی کودک است که مورد توجه روسونیز بوده و برای آن اهمیت زیاد قائل شده و آنرا تولد ثانی کودک نام نهاده است .

کتابی که استانلی هال در این زمینه نوشته دو مجلداً قظوراست که در سال ۱۹۰۴ انتشار داده و بنام بلوغ^۷ نامیده می شود .

استانلی هال در سال ۱۹۱۱ کتاب دیگری بنام «مسائل تربیتی»^۸ انتشار داد و در آن بتشریح موارد استعمال نکات مندرج در کتاب نخستینش پرداخت .

نهضتی که استانلی هال در روانشناسی کودک بوجود آورد سبب گردید که علما و دانشمندان دیگر به پیروی از نظریات وی تحقیقات و بررسی های علمی را در این زمینه آغاز کنند و نتایج مهمی را بدست آورند و در نتیجه کتب و رسالاتی تالیف و منتشر نمایند . چنانکه هال گوید : درست در روز چهارشنبه ۲۶ آوریل ۱۸۹۳ بود که یکی از شاگردانش

- | | |
|--------------------------|--|
| ۱ - Baltimore | ۲ - American Journal of Psychology |
| ۳ - Clark | ۴ - National Association for Study of Children |
| ۵ - pedagogical Seminary | ۶ - Genetic psychology |
| ۷ - Adolescence | ۸ - Educational problems |

بنام اسکار کریسمن^۱ کلمه «پدلوژی»^۲ را اختراع کرد. این کلمه از دو جزء مرکب است یکی Pedo بمعنای کودک و یکی logy بمعنای علم و برای اولین بار این لفظ را برای تعیین رشته مخصوصی از روانشناسی که موضوع آن مطالعه کودک از لحاظ جنبه های بسیار مختلف و متنوع آن میباشد بکار برد.

اختراع و استعمال این کلمه آغاز بسیار خوش و باواری برای روانشناسی کودک بود زیرا پس از آن انتشار رسالات و کتب مربوط بروانشناسی کودک رو بتزاید نهاد. بموازات تحقیقات علمی علماء فوق اغلب آزمایشگاههای روانشناسی آمریکا تجسسات و تحقیقات علمی خود را بروانشناسی کودک اختصاص دادند و بعضی از آنها در اینکار تخصص وافى ابراز داشتند، مثل آزمایشگاه روانشناسی کلارک که در سال ۱۹۰۹ استانی هال آنرا بصورت یک مؤسسه تحقیقاتی مجهز روانشناسی کودک در آورد.

دیگر آزمایشگاه روانشناسی دانشگاه «کرنل»^۳ است که بوسیله «ویپل»^۴ اداره می شد و نیز آزمایشگاه روانشناسی دارالمعلمین دانشگاه کلمبیا را باید نام برد که استادانی چون «مونرو»^۵ و «ثورن دایک»^۶ و مادام موری^۷ در آن دانشگاه تدریس میکردند و دارالمعلمین مذکور دو مجله بسیار مفید انتشار میدهد که در آنها مقالات و رسالات مهم علوم تربیتی و روانشناسی کودک درج می شود.

علاوه بر اینها در آمریکا مؤسسات مختلفی دیگری وجود داشته که هدف اصلی یا فرعی آنها مطالعه درباره کودک بوده است. این مؤسسات عبارتند از: مؤسسه «کارنگی»^۸ که هدف آن پیشرفت و تکامل امر آموزش و پرورش بوده است و نیز مؤسسه «روسل»^۹ در نیویورک و «دفتر کودکان وابسته با اداره تجارت و کار آمریکا» و «دفتر تعلیم و تربیتی ممالک متحده» که هدف آن جمع آوری اطلاعات مربوط بکودک بوده است.

دیگر «دفتر راهنمایی حرفه ای» است که در سال ۱۹۰۹ در بستون افتتاح یافت و هدف آن راهنمایی کودکان و جوانان در انتخاب شغل و حرفه بوده است. دیگر

۱ - Oscar Chrisman

۲ - Cornell

۳ - Monroe

۴ - Mme. Murray

۵ - Russel

۶ - Pedology

۷ - Whipple

۸ - Thorndike

۹ - Carnegie

«جمعیت برای مطالعه و تعلیم و تربیت کودکان فوق العاده» که در سال ۱۹۰۵ بوسیله «دکتر گروزمین»^۱ تاسیس یافت و بمطالعه منظم در باب کودکان فوق العاده و نابغه پرداخت .

بیمورد نیست که در این زمینه از دکتر «سیدیس»^۲ یادآوری نمائیم . کودک وی در سن دوازده سالگی در دانشگاه «هاروارد»^۳ امتحانات عالی ریاضی را با معدل ممتاز گذراند و این امر موجب گردید که دکتر نامبرده کتابی بنام «فیلیستین و نبوغ»^۴ انتشار دهد که از هر جهت درخور توجه است و در آن روش قدیمی تعلیم و تربیت سخت مورد انتقاد گرفته .

علاوه بر مطالعات روانشناسی کودک طبیعی، روانشناسی کودک غیرطبیعی نیز در آمریکا مورد توجه قرار گرفت و تحقیقات مربوط بان باعلاقه تعقیب گردید . مؤسساتی که در این رشته اقدامات مفیدی انجام داده اند عبارتند از: «کلینیک روانشناسی وابسته باسایشگاه کند ذهنان» که در سال ۱۸۹۶ بوسیله «لایتنر» و «یتمر»^۵ در دانشگاه پنسیلوانیا افتتاح یافت و از سال ۱۹۰۷ با انتشار مجله ای نیز در این زمینه اقدام نمود .

در تعقیب انتشار مجله فوق مؤسسات دیگر نیز با انتشار مجلات دیگری دست زدند و از این راه کمک شایانی بتوسعه و پیشرفت علم روانشناسی کودک در آمریکا نمودند و مخصوصاً اثر مطلوب آن در زمینه روش و کار معلم و سیستم تعلیم و تربیتی وی بود .

آموزش و پرورش آمریکا از این پس پیروی از آرزوی ژان ژاک روسونه فقط در برنامه تربیتی تغییراتی بوجود آورد، بلکه هدفهای تعلیم و تربیت را نیز در گون ساخت . بدین طریق تعلیم و تربیت آمریکا از آن پس سعی دارد که برنامه و کتاب درسی را مرکز ثقل فعالیت قرار ندهد، بلکه خود کودک را مبناء و محور اصلی فعالیتهای تربیتی بداند .

در این مقصود و منظور هیچکس باندازه جان دیوئی^۶ با فشاری و کوشش نکرده است .

۱ - Groszmann

۲ - Harvart

۳ - Lightner Witmer

۴ - Sidis

۵ - Philistine and Genius

۶ - John Dewey

او ابتدا استاد فلسفه بود و در سال ۱۸۹۴ باستادی تعلیم و تربیت دانشگاه شیکاگو انتخاب شد. در این زمان آموزشگاهی برای بررسی روانشناسی کودک منضم بدرس دانشگاهی خود کرد که بنام «آموزشگاه مقدماتی دانشگاهی» خوانده شد. جایی که در آن میتوانستند تحقیقات و مطالعات کافی در زمینه یک برنامه آموزشی صحیح که مطابق با تمایلات طبیعی و عمیق کودکان باشد، بعمل آورند.

دیوئی کتابهای متعددی در باره روانشناسی کودک نگاشته که هر یک دارای ارزش مخصوصی میباشند بدینقرار:

- ۱ - علاقه و کوشش در تعلیم و تربیت^۲ (۱۸۹۵)
- ۲ - مدرسه و اجتماع^۳ (۱۸۹۹)
- ۳ - روانشناسی عدد^۴ (۱۸۹۵)
- ۴ - مدرسه و کودک^۵ (۱۹۱۳)

و تعداد متعدد دیگری از کتب که از ذکر نام آنها خودداری میشود. مفهوم تربیتی که از تمام این کتابها بدست میاید عبارتست از: مفهوم تعلیم و تربیت عملی^۶ یا تعلیم و تربیت مبتنی بر تمایلات و احتیاجات طبیعی، و این از جمله خصایص تعلیم و تربیت آمریکاست.

تعلیم و تربیت عملی یعنی اینکه جنبه کار و کوشش و فعالیت کودک بیشتر مورد توجه واقع شود و ضمناً با احتیاجات و تمایلات درونی و وظایف اعضائی وی جواب دهد.

یکی از شاگردان دیوئی «آپورینک کینگ^۷ و عده زیادی از روانشناسان مشهور از جمله «ویلیام جیمس» و «گارمو»^۸ در کتابی بنام «گفتگو با معلمین»^۸ بطرفداری از دیوئی معتقد بتعلیم و تربیت عملی بوده و اهمیت پرورش عملی و تکامل قوی فعاله کودکان

۱ - University Elementary School

۲ - Interest and Effort in Education

۳ - School and Society

۵ - School and Child

۷ - Iyring King

۸ - Talks to teachers

۴ - Psychology of number

۶ - Fonctional pedogogy

۸ - Garmo

و همچنین تعلیم و تربیت دینامیک را گوشزد کرده اند .

ثورن دایک،^۱ نیز از جمله دانشمندی است که بتعلیم و تربیت عملی و دینامیک اعتقاد دارد وی هم خود را مخصوصاً باندازه گیری عملی پدیده های روانی و روحی مصروف داشته و حاصل تجارب خویش را بصورت کتابی بنام « نظریه سنجشهای ذهنی و اجتماعی»^۲ منتشر ساخته است .

شخص دیگری بنام «ویپل»^۳ کوشش خود را مصروف و تستهای عقلانی^۴ ساخت و نیزه کاتل^۵ مخصوصاً از روانشناسانی است که برای اولین بار در باب تفاوتهای فردی بتحقیقات علمی و با ارزشی دست زد و میتوان او را مخترع تستهای عقلانی برای اندازه گیری تفاوتهای فردی دانست .

اگر بخواهیم شماره دانشمندان و علمائی را که در زمینه روانشناسی کودک بتحقیقات پرداخته اند یکی یکی ذکر کنیم از دهها بلکه بجزأت می توان گفت از صدها نفر متجاوز است .

عده ای دیگر از علماء گرچه مطالعات و تحقیقاتی در رشته های مختلف روانشناسی انجام داده اند مع الوصف بعداً از نتیجه بررسی آنها در روانشناسی کودک استفاده شده است . از آنجمله میتوان تحقیقات مربوط «بروانشناسی حیوانی تجربی»^۶ و «تیلوریسم»^۷ را نام برد .

اولین کسیکه پی برد میتوان از روشهای تجربی دقیق برای بررسی روانشناسی حیوانی استفاده کرد «ثورندایک» بود و ما بعداً خواهیم دید که چگونه نتایجی را که از مطالعه حیوانات بدست آمده در روانشناسی کودک مورد استفاده قرار میدهد . و اما راجع به «تیلوریسم» باید گفت که آن عبارتست از معرفت علمی تشکیلات کار که بنام مخترع آن «تیلور»^۸ نامیده شده است .

در «تیلوریسم» کارهای عملی از لحاظ سرعت و نتیجه کار بررسی می گردد و اعداد و ارقامی بدست میآید که اگر برحسب آنها عمل شود نتایج بهتری گرفته شده

۱ - Thorndike

۲ - Theory of mental and Social measures

۳ - Whipple

۴ - Mental tests

۵ - Cattell

۶ - Psycho zoologie experimentale

۷ - Taylorisme

۸ - Taylor

وانرژی کمتری مصرف میشود .

همچنین میتوان از مطالعه آثار روانشناسانی که در زمینه صنایع و حرف و تجارت تجاربی کسب کرده اند در روانشناسی کودک استفاده کرد . این محققین با طرح تستهای ذهنی و عقلانی و اجرای آنها درباره کارگران و کارمندان کارخانه ها نتایج مفیدی بدست آورده اند .

از جمله اقدامات ثمر بخش و تحقیقات علمی دیگر که در آمریکا در زمینه روانشناسی کودک بعمل آمده مطالعات مربوط بتعلیم و تربیت مختلط حائز اهمیت میباشد . این تبعات نخستین بار در سال ۱۸۴۰ بوسیله مربی و عالم مشهور « هراس سن » آغاز و پی ریزی شد و سپس در تمام اروپا منتشر گردید . گرچه این مسئله در ابتدا با مخالفتهایی روبرو گردید ولی کم کم بر پیروان آن افزوده شد . مسائلی که در تعلیم و تربیت مختلط طرح و مورد بررسی واقع شده فوق العاده از لحاظ روانشناسی کودک قابل اهمیت و با ارزش است .

دیگر از اقدامات علمی قابل ملاحظه ای که برای روانشناسی کودک مفید بود تجارب حاصله از سیستم تعلیم و تربیت استقلالی است بدین معنی که اداره امور در مدرسه و خانه بخود دانش آموزان سپرده شده . این طرز تعلیم و تربیت در رشد و تکامل استعداد های کودک بسیار مفید واقع گردیده است . گاهی این نوع تعلیم و تربیت و یا مدارسی را که دارای این سیستم تعلیم و تربیت هستند بنام جمهوری کودک نامیده اند .

دیگر از کارهای مفیدی که در زمینه تعلیم و تربیت انجام شده و بطور غیر مستقیم تأثیرات روانی مفیدی بر روی کودکان داشته عبارتست از : « داد گاههای کودک »^۲ و آن عبارت از اینست که خطاها و اعمال کودک کان بوسیله خود آنها بررسی و دادرسی شده و مجازات آنها تعیین گردیده و اجرایی شود .

ابتدا در سال ۱۸۹۹ در شهر شیکاگو بتشکیل چنین داد گاهی اقدام شد .

دسته دیگر از کارهای عملی که بطور غیر مستقیم تأثیرات آن در روانشناسی کودک مشهود گشته عبارتست از : « دسته نیکو کاران مدارس » و این از جمله تشکیلات

بسیار مهم و با ارزش کودک کان است که آنها را با کارهای خیر و نیک و دستگیری از ضعفا و اداشته و حسن نیکو کاری و تعاون را در آنها تقویت می کند .

بالاخره ذکر ایجاد زمین های ورزشی لازم بنظر میرسد که در شهرهای بزرگ آمریکادا اثر گشت و این عمل نه فقط در پرورش بدنی کودک کان کمک می کند بلکه حسن همکاری را نیز در آنها تقویت می کند .

در اینجا سخن را در باب اقداماتی که بطور غیر مستقیم در پیشرفت روانشناسی کودک مؤثر واقع شده بپایان میرسانیم ولی ناگزیر از یادآوری این مطلب هستیم که با وجود تحقیقات فراوان و پر دامنه ای که آمریکائیان در روانشناسی کودک انجام داده اند و نیز با در نظر گرفتن ابداعات و اختراعات مفیدی که در زمینه تعلیم و تربیت ظاهر ساخته اند ، پیوسته خود را تشنه بررسیها و تجارب جدید نشان داده اند . بهترین دلیل ، استقبال پر شور است که از متد خانم مونتسوری^۱ و تستهای بینه و سیمون بعمل آورده اند .

در خانمه فصل بیفایده نیست که نام خانم «هلن کالر»^۲ کورو کرو لال معروف خیر خواه آمریکائی را ذکر نماییم . خدمات این خانم نیکو کار به تعلیم و تربیت که بوسیله بانوه سولیوان^۳ انجام یافته نتایج مفید و ذیقیمتی در روانشناسی و تعلیم و تربیت داشته است . جنبش و نهضتی که آمریکائیان در روانشناسی کودک بوجود آورده اند تأثیرات شگرفی در سایر نقاط جهان ایجاد نموده است .

۲ - انگلستان

در سال ۱۸۹۳ در تعقیب مسافرت علمی که دانشمندان انگلیسی بقصد شرکت در کنفره تربیتی منعقد در شیکاگو نمودند و پس از ملاقاتی که با استانی هال^۴ دست داد در مراجعت بانگلستان جمعیت انگلیسی بررسی حالات کودک کان^۵ را تشکیل دادند و پس از چندی شعب این جمعیت در اکثر شهرهای انگلستان مانند ادینبورگ ، منچستر بیرمنگام ، لیورپول ، هالیفاکس و وست کنت افتتاح شد .

۱ - Mme. Montessori

۲ - Helen keller

۳ - Sullivan

۴ - Stanley Hall

۵ - British child study association

نشریه رسمی جمعیت سرکزی عبارت بود از روزنامه کوچکی بنام «پدولوژیست»^۱ که در سال ۱۹۰۸ تغییر نام داده و بنام «مطالعه کودک»^۲ منتشر گشت و خود جمعیت نیز تغییر نام داده و بنام «مؤسسه مطالعه حالات کودک»^۳ خوانده شد. در سال ۱۸۹۹ جمعیت دیگری بنام «فروبل»^۴ تشکیل شد و روزنامه‌ای بنام «زندگی کودک» انتشار یافت. باید دانست که جنبش فوق در انگلستان تازگی نداشته و صرف نظر از آثار مهم «اسپنسر»^۵ و بن ۶ و ۱۸۶۱ و ۱۸۷۹ تعلیم و تربیت انگلستان آثار مهمی بمنصه ظهور رسانیده. از جمله کتابهاییست که دکتر وارنر^۷ در سال ۱۸۸۷ بنام «چگونگی مطالعه کودکان»^۸ و کتاب دیگری بنام «گفتار درباره رشد بدنی و پرورش ذهنی کودک»^۹ منتشر ساخت. علاوه بر دکتر وارنر، عالم دیگری بنام «رمنز»^{۱۰} کتابی بنام «تکامل ذهنی انسان»^{۱۱} و «سولی»^{۱۲} کتابی مفید در باره تکامل و پرورش کودک انتشار داد. تمام آثار این دانشمندان اخیراً در یکجا جمع آوری و بنام «مطالعاتی در باره کودک» نامیده شد و با کثر زبانها ترجمه گردید. ناگفته نماند که علاوه بر آثار فوق کتب دیگری نیز وجود داشته که متأسفانه تا این اواخر در پرده استتار و اختفا مانده بود و از نظر دارا بودن افکار بدیع در زمینه روانشناسی کودک دارای اهمیت فوق العاده‌ای می‌باشند. از آنجمله کتابی است بنام «معنای کودکی»^{۱۳} تألیف «جان فیسک» که در سال ۱۹۰۹ در «بستن» تجدید چاپ شده و دیگر کتابی که توسط عالم دیگری درباره بازی کودکان طبع و نشر گردیده است. از طرفی پیشرفت و توسعه روانشناسی تجربی در انگلستان طبعاً در زمینه روانشناسی کودک نیز مؤثر واقع گردیده و خواه ناخواه کارهایی انجام گرفته و بطور وضوح در مجله معروف انگلیسی بنام مجله روانشناسی انگلیس»^{۱۴} مقالات جالبی

- | | |
|---|-------------------------------------|
| ۱ - Pedologist | ۲ - Child study |
| ۳ - Child study society | ۴ - Froebel society |
| ۵ - Spencer | ۶ - Bain |
| ۷ - Dr Warner | ۸ - The children, How to study them |
| ۹ - Lectures on the growth and means of training the mental faculty | ۱۰ - Romenes |
| ۱۱ - Mental Evolution in man | ۱۲ - Sully |
| ۱۳ - The meaning of infancy | |
| ۱۴ - British journal of Psychology | |

درباره روانشناسی کودک و روانشناسی تربیتی دیده می‌شود .

یکی از بازرسان مدارس بنام «برانفورد»^۱ کتابی در باره طرز آموزش حساب کودکان انتشار داده و این اثر اگر چه مربوط بروانشناسی تجربی است، ولی بطور غیر مستقیم در روانشناسی کودک مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین آثار دیگری درباره کودکان غیر طبیعی منتشر شده که کمک شایانی بروانشناسی کودک نموده است. در سال ۱۹۱۱ دو نفر از علمای انگلستان بنام «فیندلی»^۲ و «گرین»^۳ کمیته‌ای برای اشاعه تعلیم و تربیت تجربی بوجود آوردند و روزنامه‌ای بدین منظور انتشار دادند و برای ترویج اصول تعلیم و تربیت مجله‌ای بنام «کودک» برای اطلاع عامه طبع و نشر گردید .

از آنچه گفته شد چنین بنظر میرسد که علمای روانشناسی و تعلیم و تربیت انگلستان کمتر از همکاران خود در سایر کشورها در این زمینه کار کرده اند و شاید چنین استنباط شود که از آنان عقب مانده اند. ولی دیری نمیپاید که این عقب ماندگی با اقدامات دانشمندان دیگری جبران میشود. با وجود این عقب ماندگی ظاهری در زمینه روانشناسی کودک و تعلیم و تربیت عملی کشور انگلستان بسبب چهار ابتکار تازه و مهم ممالک دیگر را مدیون خود ساخته است. این ابتکارات عبارتند از : ۱ - علم اصلاح نژاد^۴ ۲ - نظریه همبستگی^۵ ۳ - مدارس نوینیا^۶ ۴ - پیشاهنگی^۷ ۵ - دو ابتکار اولی جنبه علمی داشته و بقیه مربوط بتعلیم و تربیت عملی است .

علم اصلاح نژاد - عبارتست از بهتر کردن نژاد انسان از طریق اصلاح شرائط تولد و بر حسب تعریف دکتر پینارد^۸ عبارتست از یک نوع تعلیم و تربیت بچه قبل از تولد. علم اصلاح نژاد قبلاً بوسیله دونفر پی‌ریزی شده بود و این دونفر عبارتند :

گالتن^۹ در انگلستان و کاندول^{۱۰} در ژنو. گالتن نظریات خود را بهتر و واضحتر بمردم و صاحبان علم عرضه داشته و کتابهایی در این زمینه نوشته و حتی معایب کار خود را

۱ - Branford

۳ - Green

• - Correlation

۷ - Scout boys

۹ - Francis Galton

۲ - Findly

۴ - Eugenics

۶ - Ecoles Nouvelles

۸ - Dr. Pinard

۱۰ - Candol

نیز در آنها بطور وضوح شرح داده است: «نبوغ توارثی»^۱. در سال ۱۹۰۵ در لندن یک آزمایشگاه اصلاح نژاد بمديریت دانشمند ریاضی دان بنام کارل پیرسن^۲ تأسیس گردیده و این شخص تحقیقات و بررسیهای ذیقیمتی در قسمت آمار بعمل آورده و نتایج حاصله را در مجلات مربوطه انتشار داده است. یکی از این مجلات مجله ایست بنام: مجله اصلاح نژاد^۳ که در سال ۱۹۰۹ طبع و نشر گردیده و ارگان انجمن تعلیم و تربیتی اصلاح نژاد^۴ بوده است. پیرسن برای استفاده کامل این آمار فورمولهای ریاضی دقیقی ساخته که بر حسب آن میتوان همبستگی موجود بین پدیده‌های مورد مطالعه را باسانی دریافت و این فورمولها بوسیله عالم امریکائی دیگر بنام اسپیرسن^۵ در سال ۱۹۰۴ اقتباس و بعدها منشأ تحقیقات مهمی در زمینه روانشناسی و تعلیم و تربیت گردید. اما در باب مدارس نمونه یا مدارس نو بنیاده، اولین مدرسه نمونه در سال ۱۸۸۹ و دومین مدرسه چهار سال بعد تأسیس یافت و بزودی بر تعداد آنها در سراسر کشور افزوده شد و نمونه‌های آنها تأسیس شد و تعداد آنها از دهها متجاوز گردید.

پیشاهنگی بوسیله ژنرال «بیدن پادل»^۶ ابداع شد. این شخص در زمان جنگ در جنوب آفریقا مورد دفاع مافکینگ^۷ شد. او پادگانی در اختیار داشت که از حیث آذوقه و تدارکات و مهمات فوق العاده فقیر بود. این پادگان بسختی محاصره شد در چنین وضع پاول بنظرش رسید که از کودکان بزرگسال و جوانان شهر یاری طلبد و چنین نیز کرد و از استعداد و نبوغ آنها در انجام کارهای محوله در شگفت شد. بویژه این نکته را دریافت که جوانان کارشان را با حسن نیت و بی غرضی انجام میدادند. ژنرال در نتیجه این مشاهدات و تجربیات به تنظیم یکتنوع برنامه غیر نظامی پرداخت و نظریات خود را بصورت کتابی منتشر نمود بنام «پیشاهنگی جوانان»^۸. برنامه پاول نشان میدهد که چگونه ممکن است استعداد های فعاله کودکان و جوانها را از طریق عادت دادن بمشاهده امور و ایجاد جرأت و شهامت و حسن نوع دوستی و تعاون پرورش داده و نتایج قابل ملاحظه‌ای از آنها بدست آورد.

۱ - Hereditary Genius

۲ - Eugenics Review

۳ - Spearman

۴ - Mafer king

۵ - Karl pearson

۶ - Eugenic Education Society

۷ - BadenPawell

۸ - Scouting for boys

در نتیجه انتشار این کتاب رفته رفته دسته‌های پیشاهنگی در انگلستان و سپس در سایر کشورها بوجود آمد و جنبه جهانی بخود گرفت و امروز کمتر کشوریست که دارای سازمان پیش‌آهنگی نباشد.

باید دانست که جنبش پیش‌آهنگی مانند جنبش‌های دیگر ابتدا با مخالفت و ضدیت روبرو گردید و مخصوصاً بعضی از دسته‌ها و انجمنهای مذهبی کاتولیک با مخالفت با آن برخاستند و کاتولیکها مخصوصاً با اعتراض اعلان داشتند که لازم نیست بچه‌های کاتولیک پیش‌آهنگ شوند و این مدارس پروتستانی و انگلیسی پاول نمیتواند بچه‌های خوبی تربیت کند.

در خاتمه نمیتوان از ذکر جنبش دیگری که در زمینه روانشناسی کودک بوجود آمده صرف نظر کرد و آن عبارتست از تشکیل انجمنهای پرورش اخلاقی کودکان. این انجمن در برنامه خود سعی داشت که پرورش اخلاقی کودکان را بر مبنای صحیح روانشناسی استوار سازد. بدین معنی که روش طبیعی و منطقی صحیحی که منطبق با سطح عقلانی و ذهنی و استعدادهای نهانی کودک باشد بکار برده شود.

۴ - فرانسه

در فرانسه برای اولین بار آلفرد بینه^۱ بزوانشناسی کودک جنبه تجربی داد. چنانکه گفتیم قبل از او محققین و مؤلفینی مانند تن^۲ (۱۸۷۸) و ایگر^۳ (۱۸۷۹) و دوویل^۴ درباره تکلم کودکان تألیقاتی انتشار داده اند و پره^۵ و کمپره^۶ بمنظور بررسی و تحقیق در باب روانشناسی کودک اقداماتی معمول داشته و بطور کلی نتیجه اقدامات و مشاهدات آنها در خصوص پرورش و تکامل کودک میباشد. اما کارهای بینه دلرای این اهمیت است که مطالعه کودک را از طریق تجربی و علمی شروع کرده است. در اروپا برای اولین بار است که کسی تحقیقات و تجربیات خود را در مدارس انجام داده باشد.

سالنامه روانشناسی^۷ یک نشریه روانشناسی است که در سال ۱۸۹۵ توسط بینه انتشار یافت. بینه مطالب این مجله را با مقاله‌ای در خصوص حافظه و کلمات و جملاتی

۱ - Alfred Binet

۲ - Taine

۳ - Egger

۴ - Deville

۵ - Perez

۶ - Compayré

۷ - Année psychologique

که کودکان بکار میبرند و در مدارس تجربه و آزمایش شده آغاز کرده است. بینه همواره در مدارس به بررسی و تحقیق میپرداخت و بدین طریق سوادی برای پی ریزی روانشناسی انفرادی بدست آورد و نیز از همین راه است که باز مطالبی برای تحقیقات خود در باره استعداد تلقین پذیری^۱ و مطالعه تجربی هوش اخذ کرد. و کمی بعد بکمک چند تن از محققین دیگر مؤسسه ای بنام انجمن آزاد مطالعه روانشناسی کودک تأسیس نمود و مقصود او از تأسیس آن این بود که معلمین مدارس را وادار کنند که نتایج تجربیات و مشاهدات خود را باین انجمن بشارند و آنگاه آنها را در مجله ای طبع و نشر سازند.

در سال ۱۹۰۲ این انجمن بتمام مدارس توصیه کرده که یکرشته آزمایش در باره کودکان انجام دهند و بدینوسیله کودکان غیر طبیعی را معلوم دارند و بمعالجه آنها همت گمارند. باید گفت که عمل مطالعه کودکان غیر طبیعی از مدتها قبل در آلمان و سایر کشورهای مجاور فرانسه اجرامی شد و کلاسهای مخصوصی برای کودکان غیر طبیعی و کند ذهن دایر بوده است ولی فرانسه با وجود داشتن مؤلفین نامی که برای اولین بار فکر مطالعه کودکان غیر طبیعی را پیشنهاد کرده اند چنانکه مشاهده میشود از سایر ممالک در این زمینه عقب مانده است زیرا اگر احياناً کودکان غیر طبیعی را معلوم داشته و آنها را از سایرین باز شناخته اند مع الوصف در باره آنها توجه زیادی مبدول نداشته اند و کودکان کند ذهن و غیر طبیعی جایشان در مریمخانه ها بوده است و آنها که وضع نسبتاً بهتری داشته و چندان غیر طبیعی نبوده اند زندگی را در کوچه ها سپری میکردند و پیوسته در امتحانات شکست میخوردند.

بالاخره «انجمن آزاد مطالعه روانشناسی کودک»^۲ در ۱۹۰۲ شروع با اقداماتی کرد و هیئتی را که بینه نیز عضو آن بود مأمور تحقیقات در این زمینه نمود. از جمله اعضاء این هیئت دکتر سیمون بود که بینه بکمک وی برای تسهیل کار انجمن با ایجاد مقیاسهای متری هوش پرداخت ولی متأسفانه در سال ۱۹۱۱ در ۵۴ سالگی در گذشت. بینه در حیات خود در سال ۱۹۰۹ کتابی بنام «افکار تازه در خصوص کودک» منتشر ساخته بود. می توان گفت که این کتاب در واقع خلاصه ای بود از نظریات وی درباره روانشناسی کودک. انجمن آزاد مطالعه روانشناسی کودک در باره تأثیرات -

۱ - Suggestibilité

۲ - Société libre pour l'étude psychologique de l'enfant

تحریرات بدنی، خشم و غضب و دروغ و گرافولوژی^۱ (علم شناختن روحيات شخص از روی طرز نگارش) و حافظه و املاء و غیره بیک سلسله تحقیقات و آزمایشها در مدارس دست زد. ناگفته نماند که بینة درحیات خود زمانی که در مدارس بتحقیقات و تجربیات میپرداخت یک آزمایشگاه روانشناسی در یکی از دبستانها ایجاد کرد و بعد از مرگ او در این آزمایشگاه تحقیقاتش تعقیب شد و تجارب چندی درباره اندازه گیری قسمتهای مختلف بدن انسان^۲ و اندازه گیری قدرت ریه ها^۳ و قدرت بینائی و شنوائی کودکان بعمل آوردند.

با وجود تمام این اقدامات علم روانشناسی کودک در فرانسه نسبت بسایر کشورها ترقی شایانی نکرد و آموزش و پرورش از دایره لفظ و کتاب خارج نگردید. ولی بازاگر توجه بیشتری بشود، ملاحظه خواهد شد که چستو و گریخته کارهای مفید و قابل توجهی در این زمینه انجام شده مثل امداد کار پانتیه^۴ مبتکر متد تعلیم و تربیت طبیعی درخواست میکنند که در بیان طبیعت را محترم داشته و اصول آموزش و پرورش را با آن هم آهنگ سازند و نیز شخص دیگری بنام پل ربن^۵ بتأسیس دارالایتمی پرداخت و در آن روش تعلیم و تربیت طبیعی را مجری ساخت و مخصوصاً بکارهای دستی اهمیت زیادی داد.

علاوه بر کارهایی که مستقیماً در زمینه روانشناسی کودک انجام شده مؤلفین دیگری هستند که بطور غیر مستقیم با تألیفات خود خدمات نسبتاً محسوس در زمینه روانشناسی کودک داده اند. مشاهده می شود که در سال ۱۹۰۸ کراموسل^۶ در نتیجه تجربیات و بررسیهای عمیق و دامنه داری که با صبر و حوصله فراوان انجام داده مجله ای بنام «اولین بیداری فکر کودک»^۷ منتشر میسازد و لینده^۸ نتیجه تحقیقات خود را درباره کلمات کودکان در کتابی بنام «عقل و دل کودک»^۹ در سال ۱۹۰۹ انتشار داد و علماء دیگر مراحل رشد کودک را در سنین اولیه مورد بررسی قرار داده اند و بعضی

۱ - Graphologie

۲ - Anthropometrie

۳ - Spirometrie

۴ - Mme Carpantier

۵ - P. Robin

۶ - Cramaussel

۷ - Le premier éveil intellectuel de l'enfant

۸ - Lindet

۹ - L'esprit et le coeur de l'enfant

در خصوص نقاشی کودکان مطالعاتی کرده و برخی تحقیقاتی در زمینه اندازه گیری قسمتهای مختلف بدن^۱ و رشد کودکان مجری داشته و دسته ای درباره رشد بدن کودکان در مدارس و بهداشت مدارس تحقیقاتی انجام داده و همچنین درباره علم اصلاح نژاد اقداماتی صورت گرفته و در سال ۱۹۱۳ مجله ای به همین نام به مدیریت ادسوندپریه^۲ تأسیس گردیده است.

با آنکه افکار تازه و بدیع مربوط به روانشناسی کودک بکندی وجسته و گریخته در کشور فرانسه ظاهر می شود، معذک تاثیرات آن در قلمرو امور آموزشی بخوبی هویدا است و از آن جمله آموزش نقاشی قبل از همه از این افکار جدید و مترقی بهره مند گشته است و یک آموزگار فرانسوی در ۱۹۱۱ تغییر در برنامه رسم و نقاشی مدارس پیشنهاد میکند که بیشتر با روحیه و قوای ذهنی شاگردان منطبق است. تعلیم زبان نیز موضوعی است که تجدید و تجدد در آن پیشنهاد شده و یکی از معلمین مخصوصاً مصر است که بجای طرز تعلیم اسکلاستیک و قرون وسطائی روش آموزش و دستور زبان بیشتر منطبق با اصول روانشناسی باشد و با احتیاجات و تمایلات کودک جواب دهد.

اقسام کلام دیگر نباید تحت شکل تقسیمات مصنوعی بکودکان عرضه گردد بلکه باید بر حسب استفاده ای که برای افراد دارند و طبق احتیاجاتی که رفع میکنند تعلیم گردند. دیگر از علمای معروف فرانسه بنام پرونو^۳ روش عملی تری برای تعلیم زبان و انشاء ابداع کرد و برخی دیگر روشهای محکم و متینی در این زمینه پیشنهاد کرده اند مبنی بر اینکه اطفال در موقع انشاء بتجزیه و تحلیل احساسات و مشاهدات خود بپردازند و چنانکه میدانیم اطفال تجربه کنندگان ماهری هستند و هر چیز را از روی دقت مشاهده و تجربه میکنند و مایلند از چگونگی آن مطلع شوند ولی نمیتوانند نتیجه مشاهدات و محسوسات خود را بیان کنند زیرا کلماتی که حاکی از احساسات و مشاهدات آنها باشد در دست ندارند.

در اینجاست که معلم باید کلمات مورد احتیاج آنها را در موقع مناسب بآنها بیاسوزد و چون خود کودک احتیاج خود را باین کلمات حس میکنند و در پی آن میگرددند

۱ - Anthropometrie

۲ - Edmond Perrier

۳ - Brunot

البته پس از یاد گرفتن آنها را فراموش نخواهند کرد.

یکی از علماء دیگر بنام ژول پایو^۱ کتاب مفیدی در زمینه نگارش منتشر ساخته بنام «هنر آموزی فن نگارش»^۲. همچنین در زمینه آموزش علوم بر حسب اصول روانشناسی ترقیات نسبتاً محسوسی ظاهر گشته، کم و بیش آزمایش و تجربه در کلاس دائر شده و بشاگردان تمرینات عملی و تجربی داده می شده است.

از ابتدای قرن بیستم در تعلیم و تربیت کودک کان خردسال (تأیست سالگی) پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای مشاهده میشود که برای اجتناب از اطاله کلام از ذکر مؤلفین و نام کتب آنها خودداری می شود. در این زمان در زمینه پرورش بدنی کودک کان نیز یکنوع نهضتی شروع می گردد و مخصوصاً در جلوگیری از خستگی آنها و دادن تمرین زیاد بکودکان نکات جدید و مفیدی یادآوری میگردد و مخصوصاً یکی از افسران فرانسه کتاب جالبی در زمینه ورزشهای بدنی کودک کان که مقتبس از روشهای معمول بین سر بازان میباشد طبع و نشر کرده است.

۴ - آلمان

بر خلاف آنچه بعضی تصور میکنند آلمان در پیشرفتهای مربوط به روانشناسی کودک عقب نمانده است. این کشور با داشتن علمائى مانند فچنر^۳ ۱۸۶۵ و وونت^۴ مهد روانشناسی پرورشی محسوب گردد.

وونت در سال ۱۸۷۸ در لایپزیک اولین آزمایشگاه روانشناسی را دائر کرد و بزودی در امور روانشناسی کودک و آموزش و پرورش نیز علاقمند شد و کارهای علمائی چون اهرن^۵ و کراپلین^۶ با اینکه در ابتداء جنبه تجزیه و تحلیل روحيات افراد کند ذهن و کودن را داشت، معذک روشهای بسیار مفیدی در بررسی روحيات کودک کان بدست میدهد.

در ۱۸۹۵ در شهر برسلاو^۷ این فکر پیش آمد که آیا برنامه معمول در بعضی

۱ - J. Payot

۲ - L'apprentissage de l'art d'écrire

۳ - Fechner

۴ - Wundt

۵ - Oehrns

۶ - Kraepelin

۷ - Breslau

از مدارس فوق توانائی کودکان هست یا نه؟ و یکی از علمای روانشناسی مأمور شد در این زمینه بررسی بپردازد. و نیز بعد از یکسال عالم دیگری موفق شد آلتی بنام «استزیومتر»^۱ (آلت سنجش حس) برای اندازه گیری خستگی کودکان اختراع نماید. ناگفته نماند که نتیجه این تجربیات تقریباً دهسال از جنبه نظری خارج نشد و صورت عملی نیافت، ولی بعد از آن با سرعتی شگرف نتایج این بررسیها در تمام آلمان بموقع اجرا درآمد. اما این روشهای تجربی با وجود اینکه با شدت عمل می گردید چندان تازگی نداشت و چنانکه قبلاً دیدیم علمائی مانند: تیدمن^۲ و سیگسموند^۳ و پریر^۴ درباره حالات نفسانی کودکان کارهایی انجام داده اند.

از آنجا که در این مقاله ما فقط بتحقیق در روانشناسی کودک نظر داریم نه آموزش و پرورش از ذکر نام و آثار علمای روانشناسی تجربی آلمان که نتیجه کارهایشان بطور غیر مستقیم در روانشناسی کودک مؤثر واقع شد خودداری میکنیم.

ولی ناگزیریم نام یکی از علمای تعلیم و تربیت آلمان را که فروبل^۵ نام دارد یادآور شویم چه نظریات وی در زمینه تعلیم و تربیت بسیار مفید و قابل اهمیت است.

در سال ۱۸۹۹ در برلن انجمنی بنام انجمن روانشناسی کودک دائر و ریاست آن به: پرفسور شتومپ^۶ محول میشود و نیز بزودی کنگره ای بنام کنگره روانشناسی آموزش و پرورش، در این شهر تأسیس و سپس در سال ۱۹۱۲ جلسات آن در مونیخ و در سال ۱۹۱۳ در «برسلاو» برپا میگردد.

بطور خلاصه ترقیات و پیشرفتهای عظیم آلمان را در زمینه روانشناسی پرورشی و روانشناسی کودک از کثرت کتب و رسالات مربوط میتوان دریافت. بالاخص در این کشور از مدتها قبل روانشناسی کودکان کند ذهن و غیرطبیعی مد نظر بوده و در سال ۱۸۶۷ کلاسی برای این قبیل کودکان در درسد^۷ دائر گردید و بزودی سایر شهرها از آن پیروی کردند. باید آورشد که امروز در تمام آلمان شهری پیدا نمی شود که دارای مدرسه مخصوصی برای کودکان غیرطبیعی نباشد.

۱ - Esthesiomètre

۳ - Sigismund

۵ - Froebel

۷ - Dresde

۲ - Tiedmann

۴ - Preyer

۶ - Stumpf

بین علمائی که مخصوصاً در زمینه روانشناسی کودکان کند ذهن نشریات بسیار مفیدی عرضه داشته اند باید نام عالم مشهور کخ^۱ را ذکر کنیم. وی کتابی بنام روانشناسی مرضی^۲ نوشته است.

دیگر از کارهایی که بتوسعه و پیشرفت روانشناسی کودک در آلمان کمک قابل ملاحظه ای نموده ایجاد مؤسسه روانشناسی عملی و انطباقی است. در سال ۱۹۰۶ در برلن بوسیله مولر^۳ و سترن^۴ و لیب من^۵ دایر گشت. هدف این مؤسسه عبارت بود از جمع آوری مدارک علمی و تشکیل جلساتی از متخصصین و دانشمندان برای پیشنهاد مواضع کار و آزمایش و طبع و نشر دستورالعملهای تحقیق و تتبع و آزمایش.

مقصود از این عملیات این بود که بررسیهای علمی در تحت شکل واحدی درآید. از جمله هدفهای این مؤسسه تحقیق درباره روانشناسی فردی بود که مخصوصاً «سترن» سعی وافر داشت که اهمیت آن را خاطر نشان و توجیه نماید. قبل از وی علماء دیگری نیز در این زمینه اقداماتی معمول داشته و آزمایشهایی در باره هوش انجام داده اند، ولی نتایج کار آنها چندان مورد توجه واقع نشده است.

معلمین مدارس نیز در زمینه روانشناسی عملی و روانشناسی کودک فعالیتهایی ابراز کردند چنانکه با جمع آوری وجوهی از بین خود بتشکیل مؤسسه روانشناسی پرداختند و در این راه از کمک مادی دولت آلمان نیز برخوردار گشتند. غیر از مؤسسه برلن و مؤسسه ای که توسط معلمین در «لایپزیک» دایر شد، در شهر مونیخ نیز بتقلید از دوشهر مذکور مؤسسه ای بنام مؤسسه روانشناسی پرورشی بوجود آمد که محل آن در یکی از مدارس بزرگ شهر واقع بود و از جمع آوری اعانه خود معلمین اصاره می شد.

دیگر از کارهای مفیدی که در زمینه روانشناسی کودک انجام شد، اقدام مؤسسه تعلیم و تربیتی آلمان است که در سال ۱۹۰۸ متوجه این امر گردید که برنامه نباید اساس کار تربیت باشد، بلکه آنچه که باید پایه و مبنای امر تعلیم و تربیت قرار گیرد، تغییرات و رشد روحی کودک است و باین منظور مؤسسه تصویب کرد که یک دفتر مرکزی روانشناسی تشکیل شود و تمام فعالیتهایی که در راه نهضت متری آموزش و

۱ - Kock

۲ - psycho - pathologie

۳ - Muller

۴ - Stern

۵ - Lipmann

پرورش مهذول می‌شود در آن متمرکز گردد و چنین نیز شد و دفتر مزبور بوجود آمد . هدف و مقصود این دفتر تشکیل یک آکادمی تعلیم و تربیتی بود و مقصود از این آکادمی یکنوع دانشسرای عالی است که در آن معلمین برای تدریس تربیت گردند .

بالاخره عده دیگری از علمای تربیتی و روانشناسی آلمان در ۱۹۰۹ بتشکیل اتحادیه‌ای برای اصلاح مدارس دست زدند . محل کار این اتحادیه در « هامبورگ » و هدفش این بود که مدرسه را بحقیقت زندگی نزدیک سازد و مبنای عمل را بر روانشناسی کودک استوار کند .

تمام نهضت‌های مذکور در تعقیب خود جنبش‌های دیگری را ایجاد کردند . مثلاً دانشگاه توبین گن^۱ بتأسیس مؤسسه روانشناسی و تعلیم و تربیتی پرداخت که آزمایشگاهی هم بدان منضم بود . همچنین شهر « هامبورگ »^۲ و برن^۳ و « اسن »^۴ هر یک بنوبه خود بتأسیس مؤسساتی از این قبیل پرداختند . همچنین نباید از ذکر مؤسسه تعلیم و تربیتی دانشگاه « ینا »^۵ غفلت کرد که در سال ۱۹۴۳ افتتاح و برای سالیان متمادی منشأ تأثیرات مفید در تعلیم و تربیت آلمان بود .

مدیر این مؤسسه در این^۶ بود که از طرفداران جدی روانشناسی کودک محسوب می‌شد . در مقابل مؤسساتیکه هدفشان ترقی فن تعلیم و تربیت و استوار ساختن آن بر اصول روانشناسی کودک بود ، اقدامات دیگری معمول می‌گشت که بیشتر جنبه عملی و حرفه‌ای داشته و بالمآل بر روانشناسی کمک شایانی کرده است . از آنجمله مدرسه حرفه‌ای « کرشن اشتاینر »^۷ بود که مدیریت مدارس شهر مونیخ را بعهده داشت ، و سعی میکرد در برنامه مدارس کارهای دستی و عملی را وارد نماید و قوای فعاله کودک را تقویت سازد .

اوعقیده داشت که کارهای عملی و دستی در پرورش استعداد های کودک بسیار مؤثر است و نیز اعتقاد داشت که کارهای عملی در درجه اول و امور نظری در درجه دوم اهمیت قرار دارد و می‌گفت منظور از تربیت ، مهیا کردن افراد است برای زندگی

۱ - Tubingen

۲ - Hambourg

۳ - Brémie

۴ - Essen

۵ - Jena

۶ - W. Rein

۷ - Kerschen steiner

اجتماعی و مدرسه باید نمونه‌ای از جامعه باشد. چنین است افکار اصلی و اساسی کرشن شتاينر درباره تعليم و تربيت و چنانکه قبلاً گفتيم افکار «جان ديوتی» با اين اندیشه نزديکی و مطابقت دارد.

ديگر از علماء تربيتی که کارهایش در تعليم و تربيت مفيد و قابل ذکر است شخصی بنام «بر تولداتو»^۱ اواصر ار داشت که بحقوق و ذوق و استعداد و بطور خلاصه طبيعت کودک آن توجه کافی مبذول شود و بهمين منظور کتابهایی درباره تجديد و تجدد در مدارس و امکان اجراء تعليم و تربيتی که عاری از اعمال جبر و زور باشد تالیف و انتشار داده است.

ديگر از مؤسساتی که در آلمان بوجود آمد مؤسسه ایست برای جوانان که هدف آن گردش دسته جمعی بود.

این مؤسسه سعی داشت کارهای مفيد علمی را که شامل نتایج مطلوب عملی است در زندگی دسته جمعی جوانان معمول دارد. در سال ۱۹۱۳ بنشر روزنامه‌ای بنام «جوانان» مبادرت ورزید، پس معلوم می‌گردد مدارس که در انگلستان تشکیل شده بود و اقداماتی که در آنجا انجام گرفت در کشور آلمان نیز رواج و توسعه یافت و هر تعداد این قبیل مدارس افزوده شد.

اکنون موقع آن است که از مؤسسه‌ای نام ببریم که هدف آن ایجاد و توسعه مدارس در هوای آزاد بود و بدین ترتیب باین امر واقف می‌گردیم که با وجود آمدن این مؤسسه برای اولین دفعه این فکر حاصل گردید که میتوان کلاسهای در هوای آزاد و در زیر درختان تشکیل داد.

در مدارس شهر «مانهایم»^۲ نیز در نتیجه کوششهای دکتر «سی کینگر»^۳ و دکتر «موزر»^۴ سیستم و سازمان خاصی بوجود آمد که طبق آن استعداد و قابلیت شاگردان طبقه بندی و در کلاس سه قسمت می‌شود:

یک قسمت برای شاگردان با هوش - قسمت دیگر برای شاگردان متوسط - و قسمت ثالث برای شاگردان خیلی ضعیف.

۱ - Berthold Otto

۲ - Mannheim

۳ - Dr. Sichinger

۴ - Dr. Moser

هدف این نوع تعلیم و تربیت چنانکه گفتیم عبارتست از: انطباق تعلیمات نظری بر قوای طبیعی و روحی کودک. این سیستم در تاریخ تعلیم و تربیت و روانشناسی مدام برقرار خواهد بود. و نیز در آلمان مدارس مخصوص برای شاگردان بسیار باهوش تشکیل گردیده است.

۵- اطریش

اگرچه اطریش هیچگاه از لحاظ کمیت و کیفیت تحقیقات روانشناسی بپایه آلمان نرسید ولی در بعضی از شهرهای آن آزمایشگاههای روانشناسی دایر گردید. مثلا در سال ۱۸۹۵ در وین تحقیقات دامنه داری درباره بهداشت آموزشگاهها آغاز شد و همچنین کارهایی در زمینه ترسیم منحنی کار روزانه (در ساعات مختلفه درس) انجام گردید. جرم شناس معروف اطریشی هانس گروس^۱ تحقیقات سودمندی در باره کودکان جنایتکار انجام داد که نتیجه آن در مجلات مربوط مندرج است همچنین روانشناسان و جامعه شناسان اطریشی کارهایی انجام دادند که بطور غیر مستقیم نتایج آن در روانشناسی کودک ظاهر گردید.

در سال ۱۹۰۶ مؤسسه‌ای در وین برای تحقیق درباره کودکان غیر طبیعی دایر گردید و مجله‌ای نیز باینکار اختصاص داده شد معذک اینکارها در مقایسه با سایر کشورها ناچیز است. تنها افتخار اطریش بحجم و اهمیت کار فروید^۲ است. این عالم عصب شناس در نتیجه تحقیقات دامنه داری که در زمینه روانشناسی تحلیلی^۳ (روانکاوی) انجام داد، اهمیت آینده حیات عقلانی و اخلاقی فرد را بر حسب اتفاقات و حوادث روانی زندگانی کودک مشخص و معلوم ساخت.

روش روان کاوی فروید در عین حال وسیله‌ای برای کشف اصل و ریشه برخی اغتشاشات روحی و عقلانی کودک محسوب میگردد. باید قبول کرد که وی بدینسان روش و مبنای کار تعلیم و تربیت را دگرگون ساخته است. نهضت علمی که فروید در روانشناسی ایجاد کرد در دنباله خود مکتبی بوجود آورد که پیروان زیادی پیدا کرد و بزودی در تمام شهرهای اروپا و آمریکا انتشار یافت و در نتیجه کتابهای متعددی در باره عقاید فروید برشته تحریر درآمد.

۱ - Hans Gross

۲ - S- Freud

۳ - psycho - Analyse